



DOI: 10.22034/mral.2024.2009077.1502

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۱۶

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۰۵/۲۳

## بررسی تطبیقی شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان در نظام انتخاباتی شوراهای محلی افغانستان و ایران

محمد علم عدیل<sup>۱</sup>، بیژن عباسی<sup>۲</sup>

### چکیده

انتخابات، مهم‌ترین راه مشارکت شهروندان در اداره امور کشور است، اما برای بهره‌مندی از این حق ایجاد می‌کند که رأی‌دهنده و رأی‌گیرنده دارای یک سلسله شرایط باشند. مشارکت انتخاب‌کننده و انتخاب‌شونده در انتخابات شوراهای محلی نیز متضمن چنین شرایطی است. این پژوهش به منظور مطالعه تطبیقی و دریافت وجوه اشتراک و افتراق و تشخیص محاسن و معایب شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان در نظام انتخاباتی شوراهای محلی افغانستان و ایران انجام یافته و به دلیل این‌که تاکنون تحقیق مستقلی در این زمینه صورت نگرفته است، اهمیت دارد.

در این مقاله به این پرسش پاسخ داده شده است که شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان در نظام انتخاباتی شوراهای محلی جمهوری اسلامی افغانستان (۱۳۸۲.۱۴۰۰) و جمهوری اسلامی ایران چگونه است؟ با استفاده از روش تحقیق توصیفی و تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای به این نتیجه دست یافتیم که این دو نظام، وجوه اشتراک و افتراق نسبتاً زیادی وجود دارد و هر دو مزایا و کاستی‌هایی دارند. شرایط عینی پیش‌بینی شده در این دو نظام انتخاباتی با هم شباهت دارد، ولی شرایط انتزاعی بیش‌تر مختص نظام انتخاباتی ایران است.

**واژگان کلیدی:** انتخاب‌شونده، انتخاب‌کننده، شوراهای محلی، شورای ولایتی (استانی)، شورای ولسوالی (شهرستان).

۱. عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه جوزجان، افغانستان، m.alam.adeel@ut.ac.ir

۲. استاد گروه حقوق عمومی، عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ایران، babbasi@ut.ac.ir

۳. دولت‌های موقت و انتقالی افغانستان بر اساس توافق‌نامه بن (۲۰۰۱) پس از حملات ناتو به رهبری آمریکا به افغانستان و سقوط امارت اسلامی افغانستان تأسیس شدند. در لویه جرگه (مجلس بزرگ) افغانستان که در سال ۱۳۸۲/۲۰۰۴ برپا شد، نظام «جمهوری اسلامی افغانستان» در قانون اساسی به تصویب رسید و این نظام با پیروزی دوباره امارت اسلامی افغانستان در ۲۴ اسد (مرداد) ۱۴۰۰/۱۵ آگوست ۲۰۲۱ از بین رفت.

## مقدمه

دموکراسی از نظر آبراهام لینکلن، رئیس‌جمهور امریکا، «حکومت مردم، توسط مردم، برای مردم، توسط همه، برای همه» است.<sup>۱</sup> طبق این تعریف، دموکراسی مشارکت آزادانه مردم در اداره امور کشور را تداعی می‌کند. در اروپای دوران گذار از قرون میانه به عصر جدید پادشاهان مشروعیت خود را از کلیسا می‌گرفتند، بعدها ناشی از اراده خدا دانستند و در نهایت به تدریج اصل اراده و حاکمیت مردم به عنوان مبنای مشروعیت قدرت پذیرفته شد. پس، حاکمیت مردم یکی از اصول مادر و اساسی دموکراسی است که اصول دیگر جلوه‌های جزئی‌تر آن است.<sup>۲</sup> امروزه حاکمیت ملی به ملت تعلق دارد که به طور مستقیم یا غیرمستقیم اعمال می‌شود.<sup>۳</sup> در واقع، می‌توان گفت که دموکراسی حق تعیین سرنوشت مردم در حوزه‌های ملی و محلی است که با انتخابات نمود پیدا می‌کند. پس انتخابات، اساسی‌ترین راه مشارکت شهروندان در اداره امور کشور است. مشارکت در انتخابات چه به عنوان رأی‌دهنده و چه به عنوان رأی‌گیرنده و شرایط هر یک از این گروه‌ها، به خصوص زمانی که در حوزه شوراهای محلی مد نظر باشد، مسئله‌ای است که باید بررسی شود.

البته همه افراد در این فرآیند مهم بدون اعمال هیچ‌گونه محدودیت نمی‌توانند شرکت کنند، بلکه رأی‌دهنده و رأی‌گیرنده برای مشارکت در انتخابات باید دارای سلسله شرایطی باشند. تمرکززدایی موجب حذف فاصله میان دولت و مردم شده و بدین ترتیب نقش مثبتی در کاهش ناکارآمدی دولت و توسعه دموکراسی، ایفا می‌کند.<sup>۴</sup> شوراهای محلی نمونه بارز تمرکززدایی است که دولت مرکزی اختیارات ویژه تصمیم‌گیری اداری در محل را طبق قانون به این واحدها اعطا می‌کند.<sup>۵</sup> این شوراهای نیز به وسیله

۱. عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، تهران: نی، ۱۳۹۱، ص ۲۹۶.

۲. بشیریه، حسین، آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاست نظری)، تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۱، ص ۱۷۹.

۳. ماده ۴ قانون اساسی افغانستان.

۴. عسگری ده‌آبادی، امیر و عرفان شمس، «برداشت بریتانیایی از تمرکززدایی»، فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، دوره چهارم، شماره یازدهم، تابستان ۱۴۰۱، ص ۹۲.

۵. شمیری، فاطمه، ولی‌رستمی و بیژن عباسی، «آسیب‌شناسی اختیارات شوراهای اسلامی از منظر تفکیک امور ملی و محلی»، فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، دوره چهارم، شماره دوازدهم، پاییز ۱۴۰۱، ص ۱۴.

انتخابات مستقیم یا غیر مستقیم برگزیده می‌شوند و اداره بخشی از امور محلی را به عهده می‌گیرند. بنابراین، انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان این شوراها نیز باید شرایطی داشته باشند.

این مقاله در پی تبیین تطبیقی شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان در نظام انتخاباتی شوراهای محلی در جمهوری اسلامی افغانستان (۱۳۸۲-۱۴۰۰) و جمهوری اسلامی ایران است. هرچند امروزه نظام جمهوری اسلامی افغانستان در عمل وجود ندارد، ولی مطالعه تطبیقی موضوع در این دو نظام انتخاباتی اهمیت دارد؛ زیرا قانون اساسی افغانستان که در سال ۱۳۸۲ تصویب شد، آخرین قانون اساسی این کشور بود و نظام فعلی افغانستان نیز تاکنون نتوانسته است قانون اساسی تدوین و تصویب کند و نگاه آن نسبت به شوراهای محلی تاکنون مشخص نیست. بررسی و تحلیل نقاط قوت و ضعف هر دو نظام نیز برای استفاده عملی در آینده، راهنمای پژوهشگران ایرانی و افغانستانی خواهد بود. نوع تحقیق این پژوهش، کاربردی و روش تحقیق آن، توصیفی و تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات نیز به شیوه کتاب‌خانه‌ای است.

پرسش اصلی این پژوهش آن است که شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان در نظام انتخاباتی شوراهای محلی جمهوری اسلامی افغانستان و جمهوری اسلامی ایران چگونه است؟ میان شرایط رأی‌دهندگان و رأی‌گیرندگان در این دو نظام انتخاباتی شباهت‌ها و تفاوت‌هایی وجود دارد. نظام انتخاباتی افغانستان با برشمردن شرایط عینی، نگاه بازتری به رأی‌گیرندگان دارد، در حالی که نظام انتخاباتی ایران با عجز کردن شرایط عینی و انتزاعی در این زمینه، دیدگاه سخت‌تری را اختیار کرده است. البته قانون‌گذار ایرانی در این زمینه با برخورد احتیاط‌آمیز، دقت لازم را به کار برده است. این مقاله در دو گفتار ترتیب یافته است که شرایط انتخاب‌کنندگان (گفتار نخست) و انتخاب‌شوندگان (گفتار دوم) را شامل می‌شود. در گفتار اول، تابعیت، سن، اهلیت اخلاقی، اقامت قبلی در حوزه انتخابی و درج بودن اسم رأی‌دهنده در فهرست رأی‌دهندگان به عنوان شرایط انتخاب‌کنندگان بررسی شده است. گفتار دوم نیز دربرگیرنده تابعیت، سن، مدرک تحصیلی، ارائه گواهی عدم سوء پیشینه، سلامت جسمانی، تغییر نیافتن محل سکونت و دیگر شرایط انتخاب‌شوندگان است.

## گفتار نخست. شرایط انتخاب‌کنندگان

امروزه مشارکت شهروندان در اداره امور کشور از راه انتخاب کردن و انتخاب شدن از جمله موضوعات معمولی و در عین حال، بسیار مهم و حیاتی به حساب می‌رود. معمولی به این دلیل است که در نظام‌های دموکراتیک، اولین حرف از همین امر است و برای احراز آن، هیچ دلیلی لازم نیست. مهم نیز به این دلیل است که انتخابات آزاد و همگانی از پایه‌های دموکراسی است و بدون آن، مردم سالاری، مفهوم خود را از دست می‌دهد. این امر به این معنی نیست که هر کسی بدون شرایط لازم در انتخابات شرکت کند؛<sup>۱</sup> چون اداره امور کشور به دقت لازم نیاز دارد و شرکت‌کنندگان آن باید سلسله شرایطی داشتند تا از ورود افرادی که صلاحیت تشخیص و درک این امور را ندارند، به این فرآیند مهم جلوگیری شود. به همین دلیل، در قوانین همه کشورها، برخی شرایط بر اساس ماهیت نظام آن برای مشارکت‌کنندگان پیش‌بینی شده است.

در گذشته، شرایط اعمال حق رأی سخت بود و برای عموم شهروندان به آسانی قابل دستیابی نبود. برای نمونه، تعیین شرایطی هم‌چون پرداخت مالیات، جنسیت و سن، مانع شرکت عموم افراد به عنوان رأی‌دهنده می‌شد. در کشور انگلستان که بعد از یونان باستان و روم قدیم، مهد دموکراسی پنداشته می‌شود، به موجب قوانین سال‌های ۱۹۴۹ و ۱۹۶۹، شرایط رأی‌دهی تسهیل شد و تقلیل یافت و رأی همگانی پذیرفته شد. بنا بر این قوانین، داشتن تابعیت انگلستان، تکمیل ۱۸ سالگی، سه ماه سکونت در حوزه انتخابیه و ثبت نام قبلی رأی‌دهنده در دفتر انتخابات، شرایطی هستند که رأی‌دهنده باید از آن برخوردار باشد.<sup>۲</sup>

با این درآمد، شرایط رأی‌دهندگان را در نظام حقوقی افغانستان و ایران بررسی می‌کنیم:

### بند اول. تابعیت

تابعیت در همه کشورها، اولین شرط رأی دادن است؛ چون تابعیت یک رابطه سیاسی، حقوقی و معنوی است که شخصی را به دولت معینی مرتبط می‌سازد.<sup>۳</sup> برخی صاحب‌نظران، اشخاص حقوقی

۱. جعفری، محمد موسی و شوکت علی فرهنگ، نظام‌های انتخاباتی، کابل: بنیاد آسیا، ۱۳۹۸، ص ۳۲.

۲. نیاز، عبدالوحد، حقوق اساسی مقایسه‌ای، کابل: یوسف‌زاد، ۱۳۹۸، صص ۷۷-۷۸.

۳. ارفع‌نیا، بهشید، حقوق بین‌الملل خصوصی (جلد ۱)، تهران: بهتاب، ۱۳۹۱، ص ۴۳.

و اشیایی مثل کشتی و هواپیما را نیز شامل تعریف تابعیت دانسته‌اند. «تابعیت عبارت است از رابطه سیاسی، حقوقی و معنوی یک شخص حقیقی یا حقوقی یا یک شیء با یک دولت معین، به طوری که حقوق و تکالیف وی از همین رابطه ناشی شود»<sup>۱</sup>. در حقوق بین‌الملل خصوصی، تنها اشخاص حقیقی مورد نظر است؛ زیرا فقط این اشخاص می‌توانند از حقوق سیاسی برخوردار شوند و در ایجاد دولت سهم داشته باشند.<sup>۲</sup> البته در زمینه بحث حاضر نیز همین دیدگاه صادق است؛ چون تنها افرادی که در انتخابات مشارکت می‌کنند.

به هر حال، بدون موجودیت چنین روابطی بین یک فرد و یک کشور، اعطای حق رأی نیز خالی از اشکال نیست؛ زیرا افراد بدون احساس عضویت در یک جامعه، خود را در خوش‌بختی و مصایب آن شریک نمی‌دانند و در انتخاب مسئولان امور و تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی کشور نیز دقت لازم را به خرج نمی‌دهند. در نظر نگرفتن این امر، از نظر اطلاعاتی و امنیتی نیز می‌تواند آثار نامطلوبی به بار آورد. بنابراین، در افغانستان طبق بند ۱ ماده ۳۷ قانون انتخابات و در ایران بر اساس بند ۱ ماده ۲۹ قانون شوراها، داشتن تابعیت کشور یکی از شرایط اساسی انتخاب‌کنندگان است.

## بند دوم. سن

سن یکی از شرایط مهم و عمومی مشارکت در انتخابات است. «شرکت در انتخابات و رأی دادن، تصمیم بسیار مهمی در جهت تعیین سرنوشت سیاسی است. لذا فرد باید به سنی رسیده باشد که از رشد، آگاهی اجتماعی و سیاسی، هم‌چنین از توانایی فهم و درک زندگی اجتماعی و مسئولیت‌پذیری سیاسی و اجتماعی برخوردار باشد. در واقع، شخص باید دارای قوه تشخیص کافی باشد. در همه کشورها، سن حداقلی وجود دارد که پایین‌تر از آن یعنی کودکان و نوجوانان جزء انتخاب‌کنندگان به شمار نمی‌روند. امروزه سن رشد انتخاباتی در اغلب کشورها به تدریج کاهش یافته است، به طوری که در بسیاری از کشورها بین حداقل ۱۸ سال و حداکثر ۲۳ سال متغیر است»<sup>۳</sup>.

۱. ابراهیمی، سید نصرالله، حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران: سمت، ۱۳۹۱، ص ۸۴.

۲. مدنی، سید جلال‌الدین، حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران: جنگل، ۱۳۸۸، ص ۵۱.

۳. عباسی، بیژن و مصطفی جعفری، «بررسی تطبیقی شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان در نظام انتخاباتی مجالس ایران و مالزی»، مجله حقوق تطبیقی، دوره دوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ص ۱۲۱.

در گذشته، شرط سنی بالا بود. حتی پس از برداشته شدن شرایط مالی و جنسیتی و همگانی شدن حق رأی نیز شرط سن تغییرات کم‌تری دیده بود، ولی به تدریج، سیر نزولی را پیموده و به شکل امروزی رسیده است. امروزه در بیش‌تر کشورها، تکمیل سن ۱۸ سال تمام در روز انتخابات به عنوان یک شرط رأی‌دهنده تأیید شده است.<sup>۱</sup> در افغانستان و ایران نیز حداقل سن شرکت در انتخابات به عنوان رأی‌دهنده، ۱۸ سال تمام در روز رأی‌گیری پیش‌بینی شده است (بند ۲ ماده ۳۷ ق. انتخابات و بند ۲ ماده ۲۹ ق. ت. و. ا. ش. ا. ک. ا. ش. ا.). در افغانستان در صورت تکمیل نشدن سن قانونی به شناس‌نامه شخص متقاضی برچسب<sup>۲</sup> زده نمی‌شد و در نتیجه، این فرد در روز رأی‌گیری نمی‌توانست در انتخابات شرکت کند. این شرط در ایران در قانون انتخابات ریاست جمهوری، مصوب ۱۳۶۴، ورود به سن ۱۶ سالگی<sup>۳</sup> و در قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری، مصوب ۱۳۶۱، اتمام ۱۵ سال (که هر دو عین معنی را می‌دهد)، پیش‌بینی شده بود، ولی قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران، مصوب ۱۳۷۵، شرط سنی را به ۱۸ سال تمام افزایش داد.

### بند سوم. اهلیت اخلاقی

برای برخورداری از حق رأی و استفاده از آن، داشتن اهلیت یا شایستگی اخلاقی نیز لازم است.<sup>۴</sup> «محکومیت به برخی از مجازات‌ها که کیفر تبعی آن، محرومیت از حقوق اجتماعی به ویژه حق رأی دادن باشد، سالب اهلیت شهروندی و انتخاباتی محسوب شده است. این محدودیت، خلاف اصول نمی‌نماید، به خصوص اگر موجبات آن بر مبنای نقشه‌های پیش‌اندیشیده سیاسی نباشد. البته جرم ارتكابی باید از اهمیت و شدت درجه خاصی برخوردار باشد تا قوانین جزایی برای محکومیت کیفری آن، قائل به مجازات‌های تبعی از قبیل محرومیت از حقوق شهروندی شوند؛ زیرا اگر بنا باشد هر نوع محکومیتی موجب ممنوعیت از شرکت در انتخابات شود، مسلماً حق رأی شمار زیادی از مردم از میان خواهد رفت و دایره هیئت انتخابیه تا آن‌جا محدود و تنگ خواهد شد که در عمل،

۱. جعفری و فرهنگ، پیشین، صص ۳۲-۳۳.

۲. استیکر (Sticker).

۳. بزرگمهری، مجید، «بررسی تطبیقی شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان در نظام انتخاباتی ریاست جمهوری ایران و فرانسه»، حقوق اساسی، سال چهارم، شماره ۶ و ۷، زمستان ۱۳۸۵، ص ۴۷.

۴. عباسی و جعفری، پیشین، ص ۱۲۲.

اصل همگانی بودن حق رأی نقض گردد»<sup>۱</sup>. در واقع، چنین ممنوعیت‌هایی با فلسفه حق حاکمیت  
آحاد ملت در تضاد است.<sup>۲</sup>

بر اساس بند ۳ ماده ۳۷ قانون انتخابات افغانستان، محروم نبودن از حقوق مدنی به حکم قانون یا  
دادگاه یکی از شرایط رأی‌دهندگان بود. هرچند بر اساس ماده ۱۷۲ «کود جزا»<sup>۳</sup> (مصوب ۱۳۹۶)، شخصی  
که به جزای حبس بیش از ده سال یا به حبس کم‌تر از ده سال در جرایم باب اول و دوم کتاب دوم  
این قانون محکوم گردد، از برخی حقوق و امتیازات به شمول نامزدی در سمت‌های انتخابی محروم  
می‌گردید، ولی در این قانون در مورد انتخاب‌کننده‌ها چنین حکمی دیده نمی‌شد. در ایران نیز قانون  
شوراها به این موضوع اشاره‌ای ندارد. پس چنین به نظر می‌رسد که ممانعتی وجود ندارد.

هرچند در بند ۲ ماده ۹۱۶ کود جزای افغانستان در ۳۴ جزء به لغو کلی یا جزئی اسناد تقنینی قبلی اشاره  
شده بود، ولی از موضوع محرومیت رأی‌دهندگان از حقوق اجتماعی مندرج قانون انتخابات سخنی به  
میان نیامده بود. از طرف دیگر، در عمل، کمیسیون مستقل انتخابات به منظور ثبت نام زندانیان به عنوان  
رأی‌دهنده، مأموران خود را به زندان‌ها می‌فرستاد و در روز انتخابات نیز در زندان‌ها، صندوق رأی‌دهی  
می‌گذاشت و انتخابات برگزار می‌کرد. البته از نظر مشارکت در انتخابات نیز در میان زندانیان هیچ‌گونه تفاوتی  
وجود نداشت و همه آن‌ها اعم از مجرمان کیفری و سیاسی می‌توانستند مساویانه از این حق استفاده کنند.  
با توجه به این موارد به نظر می‌رسد که نظام ایران، نگاهی معقول و بهتر از نظام افغانستان دارد.

### بند چهارم. ثبت نام رأی‌دهنده در فهرست رأی‌دهندگان

در افغانستان تا سقوط نظام جمهوری اسلامی و حتی تا امروز نیز توزیع شناس‌نامه الکترونیکی برای  
همه شهروندان تکمیل نشده است. پس برای تثبیت تعداد افراد واجد شرایط شرکت در انتخابات،  
ثبت نام رأی‌دهنده‌ها پیش از برگزاری انتخابات ضروری بود. بنابراین، یکی از مراحل انتخابات در  
افغانستان، ثبت نام رأی‌دهندگان پیش از برگزاری آن بود. در اوایل نظام جمهوری اسلامی در این

۱. قاضی شریعت‌پناهی، سید ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران: میزان، ۱۳۹۳، ص ۵۹۰.

۲. بزرگمهری، مجید، بررسی تطبیقی نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فرانسه (مجالس قانون‌گذاری ملی و ریاست جمهوری)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۸.

۳. کود جزا: کد جزا.

کشور، کارت رأی دهی توزیع می‌شد و برای توزیع آن نیز اسناد دیگری لازم نبود و فرد بر اساس همان کارت در انتخابات شرکت می‌کرد و قسمتی از آن کارت در صورت رأی دادن، سوراخ و یک انگشت رأی‌دهنده نیز با رنگ مخصوصی به علامت رأی دادن مشخص می‌شد. در سال‌های بعدی، وجود تذکره تابعیت<sup>۱</sup> به منظور تثبیت سن قانونی و جلوگیری از تقلب در انتخابات، هنگام ثبت نام، نقش اساسی بازی می‌کرد. افراد با داشتن شناسنامه خود که توسط «اداره ثبت احوال نفوس»<sup>۲</sup> ثبت و تأیید شده بود، به یکی از مراکز ثبت نام رأی‌دهندگان مراجعه و پس از درج مشخصات او در کتاب ثبت نام، «بخش تصدیق ثبت» از فرم ثبت نام جدا و در عقب شناسنامه او با برچسب امنیتی نصب می‌گردید. این برچسب دارای نمبر مسلسل<sup>۳</sup>، اسم و کد مرکز رأی‌دهی می‌بود.

فهرست رأی‌دهندگان، جدولی است که شهرت اشخاص واجد شرایط و کد مرکز رأی‌دهی در آن درج بود (بند ۵ ماده ۴ ق. انتخابات). پس رأی‌دهنده علاوه بر موجودیت اسمش در این فهرست باید در مرکز رأی‌دهی که در روز ثبت نام مشخص و کد آن در برچسب عقب شناسنامه او درج شده بود، با در دست داشتن شناسنامه، مراجعه می‌کرد و رأی می‌داد. کمیسیون مستقل انتخابات، فهرست رأی‌دهندگان را با تفکیک مراکز رأی‌دهی تهیه و به مرکز ملی معلومات این کمیسیون وصل می‌کرد. پس به جز همان مرکز معین، اسم و مشخصات فرد در هیچ مرکز و محل دیگری وجود نداشت و نمی‌توانست رأی خود را در محل و مرکزی دیگر به صندوق بیاندازد.<sup>۴</sup> کمیسیون مستقل انتخابات پس از وارد ساختن نام‌ها و دیگر مشخصات ثبت شده رأی‌دهندگان در دیتابیس<sup>۵</sup> ملی انتخابات، فهرست رأی‌دهندگان را به تفکیک مراکز رأی‌دهی تنظیم می‌کرد. کمیسیون برای نهایی شدن این فهرست، از «اداره احصاییه مرکزی»<sup>۶</sup> نیز برای تفکیک شناسنامه‌های تزویری و تکراری همکاری می‌گرفت.<sup>۷</sup>

۱. شناسنامه.

۲. اداره ثبت احوال جمعیت.

۳. شماره مسلسل.

۴. کمیسیون مستقل انتخابات، ۱۳۹۷: www.iec.org.af.

۵. سامانه.

۶. اداره مرکزی آمار.

۷. کمیسیون مستقل انتخابات، ۱۳۹۸: www.iec.org.af.



بنابراین، طبق بند ۴ ماده ۳۷ قانون انتخابات، یکی از شرایط رأی دهنده، درج بودن اسم او در فهرست رأی دهندگان بود؛ امری که در انگلستان و فرانسه نیز به عنوان یکی از شرایط رأی دهندگان و نامزدان به کار می‌رود.<sup>۱</sup> در ایران به خاطر این‌که شهروندان ایرانی دارای شناسنامه‌های الکترونیکی اند و تعداد افراد واجد شرایط نیز طبق آن مشخص است، این شرط پیش‌بینی نشده است. با وجود آن، در روز رأی دهی، رأی دهنده باید با اصل شناسنامه خویش به شعبه رأی‌گیری مراجعه کند و رأی بدهد (ماده ۲۲ ق.ت.و.ا.ش.ا.ک.ا.ش.). هرچند تشریفات ثبت نام هزینه مالی دارد، ولی بنا بر نقشی که در تشخیص تعداد رأی‌دهندگان دارد، به کمیسیون کمک می‌کند تا اوراق رأی دهی را به اندازه مورد نیاز چاپ کند.

### بند پنجم. اقامت

«حضور مستمر و اقامت فرد در یک منطقه جغرافیایی موجب شناخت بیش‌تر وی نسبت به وقایع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی منطقه و مشکلات عموم مردم می‌گردد و قرار گرفتن فرد در چنین وضعیتی به او کمک می‌کند تا با توانایی و آگاهی بیش‌تر، گزینش واقعی‌تری داشته باشد. کسانی که خارج از این منطقه سکونت داشته باشند، طبیعتاً درک کم‌تری از اوضاع آن دارند و چنان‌چه در انتخابات شرکت نمایند، ملاک و معیار چندان خوبی برای انتخاب کردن ندارند. بنابراین، شرط دیگر بهره‌گیری از حق رأی، سابقه اقامت فرد در حوزه انتخابیه در هنگام رأی‌گیری است.»<sup>۲</sup> حتی در کشورهای توسعه‌یافته غربی هم چون انگلستان نیز اقامت سه ماهه قبل از انتخابات در حوزه انتخابیه برای استفاده از حق رأی شرط شده است.<sup>۳</sup>

در افغانستان، این شرط در قانون به عنوان یکی از شرایط رأی دهندگان نیامده بود، ولی فرد پس از ثبت نام و برچسب زدن به شناسنامه خود، به جز همان مرکز و محل رأی دهی که کد آن در برچسب درج بود، نمی‌توانست در مرکز و محل رأی دهی دیگر رأی بدهد. همین وضعیت، نشان دهنده

۱. نیاز، پیشین، ص ۷۸؛ بزرگمهری، بررسی تطبیقی نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فرانسه (مجالس قانون‌گذاری ملی و ریاست جمهوری)، پیشین، ص ۱۸۵.

۲. عباسی و جعفری، پیشین، ص ۱۲۰.

۳. نیاز، پیشین، ص ۷۸.

سکونت قبلی فرد برای مدت حداقل چند ماه در محل انتخابیه بود؛ زیرا ثبت نام رأی‌دهندگان تا چند ماه قبل از برگزاری انتخابات جریان می‌یافت.

در ایران طبق بند ۳ ماده ۲۹ قانون شوراها، رأی‌دهنده باید حداقل یک سال در محل رأی‌دهی سکونت داشته باشد، ولی شهرهای دارای بیش از ۱۰۰ هزار نفر جمعیت از این شرط مستثنایند. پس سکونت حداقل یک سال در محل مشخص رأی‌دهی به استثنای شهرهای دارای بیش از ۱۰۰ هزار نفر جمعیت، یکی از شرایط انتخاب‌کنندگان محسوب شده است. طبق تبصره این بند، کسانی که محل کار آنان، خارج از محدوده حوزه انتخابیه باشد، ولی افراد تحت تکفلشان مانند همسر و فرزندان، حداقل یک سال پیش از انتخابات در حوزه انتخابیه سکونت داشته باشند، می‌توانند در همان حوزه رأی دهند.

در زمینه مقایسه شرط سکونت قبلی رأی‌دهنده در حوزه انتخابیه در این دو نظام انتخاباتی می‌توان گفت که در نظام انتخاباتی افغانستان، این شرط به صورت دقیق پیش‌بینی نشده، در حالی که در نظام انتخاباتی ایران به شکل روشن و بدون ابهام تصریح شده است. هرچند این شرط منجر به محرومیت برخی افراد از حق رأی‌دهی می‌شود و با حق انتخاب مسکن و محل سکونت شهروندان نیز مطابقت چندانی ندارد، ولی به شناخت بهتر رأی‌دهندگان با نامزدان و در نتیجه، انتخاب درست کمک می‌کند.

## گفتار دوم. شرایط انتخاب‌شوندگان

اصولاً هر انتخاب‌کننده نمی‌تواند با همان شرایط رأی‌دهی انتخاب نیز شود.<sup>۱</sup> انتخاب‌شوندگان شوراهای محلی که مسئولیت اداره برخی از امور بخشی از کشور را به عهده می‌گیرند، هر کدام با توجه به کرسی مربوط، علاوه بر شرایط انتخاب‌شونده‌ها دارای یک سلسله شرایط دیگری نیز هستند. در افغانستان، ماده‌های ۴۰ و ۴۱ قانون انتخابات با متن «علاوه بر شرایط رأی‌دهنده، دارای شرایط ذیل نیز باشد»، برای نامزدان هر یک از شوراهای قریه،<sup>۲</sup> ولسوالی<sup>۳</sup> و ولایتی،<sup>۴</sup> دو شرط دیگری

۱. مدنی، سیدجلال‌الدین، کلیات حقوق اساسی، تهران، پایدار، ۱۳۸۵، ص ۱۳۸.

۲. قریه، واژه عربی است و به معنای روستا.

۳. ولسوالی، واژه پشتواست و به معنای شهرستان.

۴. ولایت، واژه عربی است و به معنای استان.

برمی‌شمرد، ولی در ماده ۳۰ قانون شورای اسلامی ایران بدون ذکر چنین متنی، شرایطی برشمرده شده است که در واقع، برخی از آن‌ها، تکرار شرایط انتخاب‌کننده‌هاست. پس در نظام انتخاباتی ایران نیز همه افراد واجد شرایط رأی‌دهی، صلاحیت نامزدی را ندارند<sup>۱</sup> و باید نامزدان دارای شرایط مخصوص دیگری نیز باشند. اکنون شرایط انتخاب‌شوندگان را به بررسی می‌گیریم.

## بند اول. تابعیت

طبق ماده‌های ۴۰ و ۴۱ قانون انتخابات افغانستان، نامزدان شوراهای محلی علاوه بر شرایط رأی‌دهنده باید دارای دو شرط دیگر نیز باشند. تابعیت از جمله شرایط عضویت در این شوراها بود. در ایران نیز برابر بند «الف» ماده ۳۰ قانون شوراها، تابعیت به عنوان یکی از شرایط عضویت در این شوراها شناسایی شده است.

در افغانستان، نامزد کرسی‌های انتخابی باید درخواست کتبی در زمان تعیین‌شده به کمیسیون مستقل انتخابات تقدیم کند. این درخواست باید علاوه بر موارد دیگر، حاوی کاپی<sup>۲</sup> سندی باشد که هویت وی را معرفی کند (بند ۱ و جزء ۲ بند ۲ ماده ۷۳ ق. انتخابات). در ایران، ارائه شناسنامه یا سند دیگری که معرّف هویت نامزد باشد، در قانون ذکر نشده است، اما به نظر می‌رسد که ارائه این سند حتمی است. تابعیت، یکی از شرایط نامزدی است و تشخیص تابعیت نیز به رؤیت اسنادی مثل شناسنامه و گذرنامه صورت می‌گیرد.<sup>۳</sup> پس پیش‌بینی شرط کپی سند معرفی‌کننده هویت فرد برای احتیاط بیش‌تر است.

به نظر می‌رسد که تابعیت مورد نظر قانون‌گذار افغانستان، اصلی و اکتسابی را شامل می‌شود و فاصله زمانی اکتساب تابعیت و برگزاری انتخابات نیز مهم نیست. اگر تابعیت اصلی یا اکتسابی با چند سال سابقه در نظر بود، هم‌چون شرط تابعیت رئیس جمهوری و عضو مجلس باید به

---

۱. بزرگمهری، بررسی تطبیقی نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فرانسه (مجالس قانون‌گذاری ملی و ریاست جمهوری)، پیشین، ص ۷۶.

۲. کپی.

۳. مولایی، آیت و مهدی معنوی، «مطالعه تطبیقی شرایط داوطلبان مجلس شورای اسلامی ایران و ولسی جرگه افغانستان»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره دهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، ص ۷۶۹.

صورت مشخص در قانون اساسی یا عادی ذکر می‌گردید. داوطلب ریاست جمهوری باید «تبعه افغانستان، مسلمان و متولد از والدین افغان بوده و تابعیت کشور دیگری را نداشته باشد» (بند ۱ ماده ۶۲ ق.ا. و جز ۱ بند ۱ ماده ۳۸ ق.انتخابات) و اعضای شورای ملی (مجلس نمایندگان و مجلس سنا) باید «تبعه افغانستان بوده یا حداقل ده سال قبل از تاریخ کاندید یا تعیین شدن، تابعیت دولت افغانستان را کسب کرده باشد» (بند ۱ ماده ۸۵ ق.ا. و بند ۱ ماده ۳۹ ق.انتخابات). از این دو مورد و متن «علاوه بر شرایط رأی‌دهنده» در ماده‌های ۴۰ و ۴۱ قانون انتخابات برمی‌آید که شرط تابعیت انتخاب‌شوندگان شوراهای محلی با انتخاب‌کنندگان هیچ تفاوتی ندارد و هر شخصی که شناسنامه افغانستان را داشته باشد، بدون در نظر داشت اصلی بودن تابعیت یا مدت اکتساب آن، حق نامزدی در شوراهای محلی را دارد.

در قانون شوراهای ایران نیز تابعیت نامزدان به صورت عام مطرح شده است، ولی براساس ماده ۹۸۲ قانون مدنی، اصلاحی ۱۳۷۰، تابعان اکتسابی از اشتغال به برخی از سمت‌ها به شمول عضویت شوراهای محلی منع شده‌اند. البته اعمال شرط تابعیت اصلی ظاهراً برای جلوگیری از ورود و نفوذ بیگانگان در شوراهای محلی است تا از این طریق، استقلال سیاسی، منافع ملی، حاکمیت ملی و مصالح ملی مردم محافظت شود.<sup>۱</sup>

## بند دوم. سن

به حکم عقل سلیم، سن نامزدان می‌بایست نسبت به سن رأی‌دهندگان بیش‌تر باشد.<sup>۲</sup> چون سمت نمایندگی و عضویت در شوراهای محلی بنا بر تخصصی بودن و پیچیدگی‌های خاص خود ایجاب می‌کند که کارگزاران آن باید به درجه‌ای از فهم و توانایی تشخیص مصالح و منافع عمومی و زمام‌داری رسیده باشند. هرچند تعیین حداقل سن برای نامزدان متناسب با زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و نوع نظام انتخاباتی متفاوت است و در هر کشور جلوه خاصی دارد،<sup>۳</sup> اما سن انتخاب‌شونده‌های شوراهای محلی در نظام انتخاباتی افغانستان و ایران، ۲۵ سال تمام در روز

۱. همان، صص ۷۶۸-۷۶۹.

۲. مدنی، پیشین، ص ۱۳۸.

۳. مولایی و معنوی، پیشین، ص ۷۶۹.

رأی‌گیری پیش‌بینی شده است. در افغانستان طبق بند ۱ ماده ۴۰ و بند ۱ ماده ۴۱ قانون انتخابات، حداقل تکمیل سن ۲۵ سالگی در روز نامزد شدن به عنوان یکی از شرایط عضویت در شوراهای محلی است. در ایران نیز بر اساس بند «ب» ماده ۳۰ قانون شوراها، حداقل سن نامزدی شوراهای اسلامی، ۲۵ سال تمام پیش‌بینی شده است.

### بند سوم. مدرک تحصیلی

در نظام انتخاباتی شوراهای محلی دو کشور افغانستان و ایران، شرط تحصیل یا حداقل سواد خواندن و نوشتن برای انتخاب‌کنندگان پیش‌بینی نشده است؛ چون در این صورت، افراد زیادی از حق رأی دادن محروم می‌شوند که این امر، مخالف اصل همگانی بودن حق رأی است. با این حال، برای اعضای شوراهای محلی، شرط تحصیلی متفاوت یا حداقل سواد خواندن و نوشتن پیش‌بینی شده است. در افغانستان برای حضور در شوراهای قریه و ولسوالی، حداقل توانایی خواندن و نوشتن (بند ۲ ماده ۴۱ ق. انتخابات) و برای شورای ولایتی، حداقل داشتن مدرک دیپلم (بند ۲ ماده ۴۰ ق. انتخابات) به عنوان یکی از شرایط عضویت مطرح شده بود. در ایران نیز بر اساس بند «ه» ماده ۳۰، سواد خواندن و نوشتن برای شورای روستاهای تا ۲۰ خانوار و داشتن مدرک دیپلم برای شورای روستاهای بالای ۲۰ خانوار، داشتن حداقل مدرک فوق دیپلم یا معادل آن برای شورای شهرهای تا ۲۰ هزار نفر جمعیت، داشتن حداقل مدرک لیسانس یا معادل آن برای شورای شهرهای بالای ۲۰ هزار نفر جمعیت به عنوان شرایط تحصیلی پیش‌بینی شده است. بر اساس تبصره ۱ این بند، کسانی که سابقه یک دوره کامل عضویت اصلی شورا را در کارنامه خود داشته باشند، به شرط نامزدی در همان حوزه انتخابیه از این شرط مستثنی هستند.

قانون ایران با پیش‌بینی مدارک تحصیلی مناسب در شورای شهرها و روستاهای مختلف، دیدگاه منطقی و درست دارد، اما نظام حقوقی افغانستان با تفکیک قائل نشدن میان استان‌ها و شهرستان‌ها و هم‌چنین در نظر نگرفتن تعداد جمعیت آن‌ها، شرط یکسان تحصیلی حداقل مدرک دیپلم را پیش‌بینی کرده است، در حالی که دست کم برای شورای ولایتی باید مدرک لیسانس پیش‌بینی می‌شد. بنابراین، منظومه انتخاباتی ایران در مقایسه با افغانستان در این بخش، نگاه متناسب و معقولی دارد.

### بند چهارم. ارائه گواهی عدم سوءپیشینه

طوری که گذشت، در افغانستان، یکی از شرایط رأی‌دهنده‌ها، محروم نبودن از حقوق مدنی طبق حکم قانون یا دادگاه بود و ماده‌های ۴۰ و ۴۱ قانون انتخابات برای نامزدان شوراهای محلی نیز این شرط را لازم دانسته بود. البته در روز ثبت نام نامزدان نیز درخواست ثبت نام آن‌ها در پهلوی موارد دیگر باید حاوی معلومات در مورد عدم محکومیتشان نیز می‌بود (جزء ۴ بند ۲ ماده ۷۳ ق. انتخابات). البته این معلومات باید از سوی نهادهای امنیتی و کشفی ارائه می‌گردید؛ چون نامزدان چند روز پیش از ثبت نام رسمی، بسته معلوماتی ثبت نام در انتخابات را از دفتر مرکزی یا ولایتی کمیسیون مستقل انتخابات به دست می‌آوردند که در آن، استعلام‌هایی برای کسب چنین معلوماتی وجود داشت. هرچند قانون در مورد مدت تاریخ صدور آن ساکت بود، ولی چون تاریخ کسب بسته معلوماتی از کمیسیون مستقل انتخابات با تاریخ ثبت نام رسمی، مدت چند روز را در برمی‌گرفت، این مدت، کمتر از مدتی بود که در ایران پیش‌بینی شده است. در ایران، بر اساس تبصره ۳ بند «ز» ماده ۳۰ قانون شوراها، برای نامزدان شوراهای محلی، ارائه گواهی عدم سوء پیشینه که از تاریخ صدور آن، بیش از سه ماه نگذشته باشد، هنگام ثبت نام الزامی است.

### بند پنجم. سلامت جسمانی

در ایران طبق بند «ز» ماده ۳۰ قانون شوراها، داشتن سلامت جسمانی در حد برخورداری از نعمت شنوایی و گویایی و سلامت روانی، حسب مورد با گواهی پزشکی قانونی از جمله شروط نامزدی است. نماینده‌های مردم در شوراهای محلی، مسئولیت اداره برخی از امور محلی را به عهد دارند و برای ادای درست این مسئولیت باید دارای سلامت جسمی حداقلی باشند. در قوانین افغانستان نیز این شرط به گونه‌ای بیان شده بود، ولی حداقلی برای آن تعیین نگردیده بود. برابر بند ۱ ماده ۷۳ قانون انتخابات، ارائه درخواست کتبی مبنی بر ثبت نام از سوی نامزدان به کمیسیون مستقل انتخابات لازم بود که بر اساس جزء ۴ بند ۲ این ماده، این درخواستی باید حاوی معلومات در مورد حالت صحیح<sup>۱</sup> نامزد نیز می‌بود. البته این حالت صحیح طبق ورق استعلام کمیسیون که قبلاً تهیه شده و جزء آن بسته معلوماتی بود که نامزد پیش از ثبت نام به دست می‌آورد و بر اساس معلومات

۱. وضعیت سلامتی.

صحی خواسته شده در آن استعلام، از شفاخانه<sup>۱</sup> دولتی مرکز حوزه انتخابیه جواب می‌گرفتند. با این حال، درباره چگونگی این حالت صحی در قانون، چیزی بیان نشده بود.

در حالی که در میسرانوجرگه<sup>۲</sup> افغانستان باید در میان اعضای انتصابی آن که یک سوم این مجلس را تشکیل می‌داد و از جانب رئیس جمهور منصوب می‌گردید، دو نفر از نماینده‌های معلولان و معیوبان نیز حضور می‌داشتند (بند ۳ ماده ۸۴ ق.ا.ش)، ولی در مورد شوراهاى محلی، چنین حکمی وجود نداشت. به نظر می‌رسد که حکم قانون ایران نسبت به افغانستان برتری دارد؛ زیرا عبارت «معلومات صحی» یک عبارت مبهم است و مفهوم آن به صورت درست روشن نیست و امکان تفسیر موسّع از سوی کمیسیون مستقل انتخابات وجود داشت. از سوی دیگر، حداقل این سلامت جسمانی در قانون قید نشده بود، در حالی که طبق ماده ۴ قانون اساسی افغانستان، حاکمیت ملی متعلق به ملت است که به طور مستقیم یا به وسیله نمایندگان خود اعمال می‌کند. هم‌چنین بر اساس ماده ۳۳ همین قانون، انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق هر شهروند افغانستان بود. پس وجود چنین عبارات مبهمی در متن قوانین می‌تواند به تمثیل حاکمیت ملی توسط مردم و اعمال حق انتخاب کردن و انتخاب شدن و حق تعیین سرنوشت آسیب بزند. بهتر بود درباره کیفیت و قلمرو «معلومات صحی» توضیح داده می‌شد و حداقل سلامت جسمانی نامزدان انتخابات شوراهاى محلی نیز مشخص می‌گردید. در یک مقایسه کوتاه می‌توان گفت که نگاه نظام انتخاباتی ایران نسبت به افغانستان در زمینه شرط سلامت جسمانی داوطلبان منطقی و بجاست؛ زیرا راه میانه و روشنی را در پیش گرفته است که نه ابهامی وجود دارد و نه افراطی است.

### بند ششم. تغییر نیافتن محل سکونت

در ایران، اگر هر یک از اعضای شوراهاى محلی، محل سکونت خویش را به خارج از محدوده بخش حوزه انتخابیه خود تغییر دهد، عضویت خویش را در شورا از دست خواهد داد (تبصره ۳ ماده ۳۰ ق.ت.و.ا.ش.ا.ک.ا.ش). این شرط در قوانین افغانستان پیش‌بینی نشده بود، ولی نامزدان باید

۱. بیمارستان.

۲. واژه‌ای، آمیخته از جرگه (مجلس) فارسی و «مشران» (بزرگان) پشتوست به معنای مجلس اعیان (سنا). مجلس نمایندگان نیز به «وُلُسی جرگه» موسوم بود؛ آمیخته از جرگه (مجلس) فارسی و «وُلُسی» (مردم) پشتو.

درخواست کتبی ثبت نام در انتخابات را ارائه می‌کردند (بند ۱ ماده ۷۳ ق. انتخابات). در آن هم باید اسم و نشانی مشخص و محل سکونت اصلی و فعلی و آخرین محل شغل خود را ثبت می‌کردند (اجزای ۱ و ۴ بند ۲ ماده ۷۳ ق. انتخابات). هرچند این مورد، یکی از تضمیناتی بود که عضو شورا را بیش تر به محل انتخابی‌اش وابسته می‌ساخت، ولی در صورت تغییر محل سکونت به خارج از حوزه انتخابیه، هیچ مقرراتی پیش‌بینی نشده بود.

پیش‌بینی نشدن این شرط در حقوق افغانستان، ایراد بزرگی بود؛ چون دیده شده بود در برخی ولایت‌ها، عضو شورای محلی در خارج از حوزه انتخابیه خود سکونت داشت یا سکونت اختیار می‌کرد که به خاطر رسیدگی به مسائل خانوادگی، مدت‌ها در جلسات شورا شرکت نمی‌کرد و اعضای شورای مربوط نیز در این قسمت به عضو غایب ارفاق می‌کردند. با این حال، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن که حق هر شهروند افغانستان (ماده ۳۳ ق. ۱) بود و حق انتخاب شدن عضو شورای محلی که مسئولیت نمایندگی از مردم در شورای مربوط و فعالیت در شورا را داشت، به وجه احسن اعمال نمی‌گردید. بنابراین، صراحت این شرط در نظام انتخاباتی ایران از محاسن این نظام است.

### بند هفتم: دیگر شرایط

برای عضویت در شوراهای محلی ایران طبق قانون شوراهای محلی، شرایط عینی و انتزاعی دیگری نیز پیش‌بینی شده است و برابر ماده ۷۳ قانون انتخابات افغانستان، اشخاصی که خود را به کرسی‌های انتخابی نامزد می‌کنند، مکلفند در زمان تعیین شده، درخواست کتبی نامزدی خود را برای ثبت نام به کمیسیون مستقل انتخابات ارائه دهند. این درخواست باید حاوی مطالبی باشد که برخی از آن‌ها پیش‌تر بیان شد و بقیه موارد را در ادامه با حقوق ایران مقایسه و تحلیل می‌کنیم.

### الف. اعتقاد و التزام عملی به اسلام و ولایت مطلقه فقیه

نظام جمهوری اسلامی ایران بر مبنای ایدئولوژی مذهبی و بر اساس فقه شیعه تأسیس شده است. در رأس نظام سیاسی کشور، یک فقیه جامع‌الشرایط شیعه به نام ولی فقیه یا رهبر انقلاب اسلامی قرار دارد. بر اساس قانون شوراهای محلی، هر کسی که در شوراهای محلی نامزد شود، باید اعتقاد و التزام عملی به اسلام و ولایت مطلقه فقیه داشته باشد و اقلیت‌های شناخته‌شده در قانون اساسی نیز به جای اسلام باید به اصول دین خود اعتقاد و التزام عملی داشته باشند (بند «ج» و تبصره ۱ بند «ز» ماده ۳۰). در



افغانستان چنین شرطی برای نامزدی در هیچ یک از نهادهای انتخابی پیش‌بینی نشده بود. در برخی موارد مثل نامزدی ریاست جمهوری، وزارت و دادگاه عالی فقط مسلمان بودن (بدون در نظر داشت مذهب خاصی)، شرط شده بود. به نظر می‌رسد هر فردی که تحت حاکمیت قانون اساسی و نظام سیاسی یک کشور به عنوان شهروند زندگی می‌کند، طبعاً تابع احکام قانون اساسی و دیگر قوانین است و اقدام به نامزدی در یک نهاد انتخابی نیز طبق این قوانین ممکن است و خارج از آن، چنین حقی وجود ندارد. نامزدی در شوراها نیز به معنی پذیرش قانون اساسی و دیگر قوانین و مقررات مندرج در این قوانین است. حتی بعد از کسب عضویت یک نهاد انتخابی نیز در صورت خروج از قوانین نافذ کشور، طبق قانون قابل پی‌گرد است و اعضا باید نسبت به عملکرد خود پاسخ‌گو باشند.

به نظر می‌رسد که نظام حقوقی افغانستان در این زمینه برخورد سهل‌تری داشت، در حالی که نظام حقوقی ایران در این زمینه از احتیاط و دقت لازم بهره‌گرفته است. نظام جمهوری اسلامی افغانستان، یک نظام عرفی آمیخته با احکام اسلام بود و نظام جمهوری اسلامی ایران با توجه به مذهبی بودن آن، با الهام از فقه تشیع، چنین رویکردی را در پیش گرفته است. البته در احراز این شرط، ظرافت‌ها و مسائلی در برابر ناظران انتخابات وجود دارد. از یک سو، در خصوص شرط اعتقاد به اسلام و ولایت مطلقه فقیه، اعلام اعتقاد کفایت می‌کند، همان طوری که در سیره اسلامی نیز صرف ادای شهادتین برای شناختن فرد کافی است. از سوی دیگر، شرط اعتقاد به اسلام و ولایت مطلقه فقیه جنبه رفتاری دارد و ممکن است با ارزیابی‌های متفاوت روبه‌رو شود و برخوردهای سلیقه‌ای و سیاسی جای نظارت بی‌طرفانه را بگیرد. با توجه به مذهبی بودن نظام جمهوری اسلامی ایران،<sup>۱</sup> قانون شوراها با الهام از قانون اساسی، این رویکرد را در پیش گرفته است. جای تحسین این شرط در آن است که از ورود افراد فاسد و غیر متعهد به اسلام و نظام سیاسی کشور جلوگیری می‌کند.

### ب. ابراز وفاداری به قانون اساسی

در ایران برابر بند «د» ماده ۳۰ قانون شوراها، یکی از شرایط نامزدان، ابراز وفاداری به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است، در حالی که در قوانین افغانستان چنین شرطی پیش‌بینی نشده بود. در یک نگرش سطحی چنین به نظر می‌رسد که هر گاه فردی بخت خود را برای راه‌یابی به یک کرسی انتخابی می‌آزماید،

۱. همان، ص ۷۷۳.

در واقع، تمام اصول و مقررات مربوط به ویژه قانون اساسی و قوانین حکومتی کشور را قبول کرده است. این حق را قانون مشخص کرده است و در خارج از آن، کسی نمی‌تواند نامزد شود. پس زندگی در سایه حاکمیت یک نظام و شرکت در روندهای قانونی به معنی پذیرش قانون اساسی است و این پذیرش نیز به معنی قبول همه مفاد قانون اساسی است. با این حال، درج اعتقاد و التزام عملی به ولایت مطلقه فقیه و ابراز وفاداری به قانون اساسی در نظام انتخاباتی ایران، احتیاط و دقت لازم را نشان می‌دهد. قانون اساسی، میثاق ملی یک کشور است که ارزش‌های مهم یک ملت در آن تبلور می‌یابد. پس پاسداری و حفظ آن از تکالیف هر شهروند است. پیش‌بینی این شرط در هر کشور باید از الزامات بس مهم باشد؛ زیرا اگر عضو شورا به قانون اساسی وفادار نباشد، مسلم است که به شأن شورا و وظایف محوله نیز وفادار نخواهد بود.<sup>۱</sup>

شرط ابراز وفاداری به قانون اساسی در نظام انتخاباتی ایران، شرطی مقعول و بجاست، درحالی که پیش‌بینی نشدن این شرط در نظام انتخاباتی افغانستان از کاستی‌های این نظام بود. امکان داشت فردی از حقوق و امتیازات پیش‌بینی‌شده در قانون اساسی استفاده کند و از این طریق، عضویت شورای محلی را نیز به دست آورد، ولی به قانون اساسی وفادار نباشد. پس باید ابزار قانونی برای جلوگیری از ورود چنین افرادی به شورا در دست باشد تا شورای محلی در یک کشور اسلامی متناسب با شأن اسلامی آن تشکیل شود و فعالیت کند.

### ج. خدمت نظام وظیفه<sup>۲</sup>

در ایران، خدمت نظام وظیفه تنها مسئولیت مردان است و این شرط، انتخاب‌شوندگان زن را دربر نمی‌گیرد. برابر بند «و» ماده ۳۰ قانون شوراها، داشتن کارت پایان خدمت نظام وظیفه یا معافیت دایم از خدمت، یکی از شرایط انتخاب‌شوندگان مرد است. در افغانستان بر اساس قانون اساسی، تعیین وضعیت مکلفیت عسکری به قانون عادی محول شده بود (بند ۲ ماده ۵۵ ق.ا.). قانون مربوط تا فروپاشی نظام جمهوری اسلامی در این کشور (۲۴ مرداد ۱۴۰۰) تصویب نگردید. دلیل تأخیر تصویب این قانون تا لحظه سقوط نظام نیز نبود امکان تطبیق خدمت نظام وظیفه بر همه شهروندان به نظر می‌رسید. چون تعداد بسیاری از شهروندان افغانستان بر اثر جنگ‌های داخلی

۱. همان، ص ۷۷۴.

۲. مکلفیت عسکری (خدمت سربازی).

بین سال‌های (۱۳۷۱.۱۳۸۰) و پس از آن تا فروپاشی نظام جمهوری اسلامی بنا بر نبود امنیت لازم و حاکمیت دولت در برخی از مناطق کشور به بیرون از کشور مهاجرت کرده بودند. البته ممکن است این مسئله، دلایل دیگری نیز داشته باشد. هر چند مکلفیت عسکری تا پیروزی مجاهدین در سال ۱۳۷۱ در دولت‌های گذشته اعمال می‌شد، ولی بحث حاضر که تنها نظام حقوقی جمهوری اسلامی (۱۳۸۲.۱۴۰۰) را شامل می‌شود، در طول عمر این نظام عملی نگردید، بلکه خدمت سربازی در نیروهای نظامی، امنیتی و انتظامی هم چون یک شغل در بدل حقوق ماهانه انجام می‌شد.

در واقع، خدمت نظام وظیفه در حقوق ایران مشخصاً از جمله شرایط انتخاب‌شوندگان برجسته شده است، اما در جمهوری اسلامی افغانستان، قانون مربوط به نظام وظیفه هیچ‌گاه تصویب نگردید و در قوانین انتخاباتی هم این امر در شرایط انتخاب‌شوندگان پیش‌بینی نشده بود. از این نگاه نیز نظام انتخاباتی ایران، برتری خود را نمایان می‌کند؛ زیرا انجام خدمت نظام وظیفه موجب دل‌بستگی بیش‌تر فرد به نظام می‌شود و از نظر رشد فکری و ذهنی نیز فرد را آماده پذیرش مسئولیت عضویت شورای محلی می‌سازد.

#### **د. اعتقاد و التزام عملی اقلیت‌های دینی جای اسلام به اصول دین خود**

در ایران، طبق تبصره ۱ بند «ز» ماده ۳۰ قانون شوراها، اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی به جای اسلام باید به اصول دین خود اعتقاد و التزام عملی داشته باشند. این اقلیت‌های دینی مطابق اصل ۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ایرانی‌های زرتشتی، کلیمی و مسیحی‌اند که در حدود احکام قانون در اجرای مراسم دینی‌شان آزادند و در تعلیمات دینی و احوال شخصیه بر اساس آیین خویش عمل می‌کنند. ملاحظه می‌شود که از جمله غیرمسلمانان فقط سه فرقه دینی در ایران طبق قانون اساسی آزادند تا مراسم دینی خود را در حدود احکام قانون اجرا کنند و در شوراهای محلی نیز به شرط این‌که به جای اسلام به اصول دین خود اعتقاد و التزام عملی داشته باشند، نامزد شوند.

در جمهوری اسلامی افغانستان، پیروان ادیان غیر از اسلام، حق پیروی از دین و اجرای مراسم دینی‌شان را در محدوده احکام قانون داشتند. طبق ماده ۲ قانون اساسی، دین دولت جمهوری اسلامی افغانستان، دین مقدس اسلام بود و پیروان دیگر ادیان در پیروی از دین و اجرای مراسم دینی‌شان در حدود احکام قانون آزاد بودند. دیده می‌شود که در افغانستان، همه ادیان فراتر از اسلام به رسمیت شناخته شده بود و برای نامزدی در انتخابات شوراهای محلی نیز عقیده دینی

شرط نبود و هر کسی با تکمیل شرایط عینی دیگر می‌توانست برای حضور در شوراها نامزد شود. برخی داوطلبان از اقلیت‌های هندو و سیک در افغانستان، چند بار نامزد انتخابات مجلس نمایندگان شدند، ولی به دلیل به دست نیاموردن رأی کافی، از راه‌یابی به این مجلس باز ماندند. به نظر می‌رسد به همین دلیل بود که برابر بند ۱ ماده ۲۱ قانون انتخابات، مصوب ۱۳۹۴ برای اقلیت‌های اهل هندو و سیک، یک کرسی اختصاصی پیش‌بینی شد که بر اساس آن، یک نماینده از این اقلیت‌ها با آرای خودشان به مجلس نمایندگان برگزیده می‌شد. این روند در قانون انتخابات ۱۳۹۵ نیز لحاظ گردیده بود (ماده ۴۸ ق. انتخابات). برای نامزدان این اقلیت‌ها، تمام کشور، یک حوزه انتخابی بود (بند ۱ ماده ۲۴ ق. انتخابات ۱۳۹۴)، در حالی که قانون اساسی برای این اقلیت‌ها چنین امتیازی در نظر نگرفته بود. این امتیاز نیز به دلیل حمایت نکردن مسلمانان در انتخابات‌ها از نامزدان این اقلیت‌های دینی در نظر گرفته شده بود، ولی بر فرض حمایت مسلمانان از آن‌ها، برای ورودشان به مجلس نمایندگان، مجلس سنا و شوراهای محلی، هیچ نوع محدودیتی وجود نداشت. در چند سال اخیر دوره جمهوری اسلامی در افغانستان، یک نفر از این گروه توسط رئیس‌جمهور در مجلس سنا نیز انتصاب می‌گردید. در این مورد، موضوع سپنتا نیک‌نام، یکی از زرتشتیان ایران در شوراهای محلی قابل دقت است؛ زیرا این شخص بر اساس تبصره ماده ۲۶ قانون شوراها، مصوب ۱۳۷۵ در حوزه مسلمان‌نشین، نامزد شورای شهر یزد شده و در این انتخابات، برنده گردیده و یک دوره نمایندگی را نیز سپری کرده بود. با این حال، فقهای شورای نگهبان در جریان بررسی صلاحیت نامزدان انتخابات پنجمین دوره شوراهای شهر و روستا، ابلاغیه‌ای را برای جلوگیری از تأیید صلاحیت نامزدهای غیر مسلمان در حوزه مسلمان‌نشین منتشر کردند.<sup>۱</sup> فقهای شورای نگهبان در جلسه مورخ ۱۳۹۶/۱/۲۳ خویش، تبصره یادشده را مغایر نص سخنان امام خمینی در صحیفه نور خواندند و آن را خلاف موازین شرع تشخیص دادند.<sup>۲</sup> با وجود این ابلاغیه، هیئت‌های نظارت بر انتخابات در یزد، نامزدی نیک‌نام را تأیید کردند.<sup>۳</sup>

۱. موج باز، «سپنتا نیک‌نام و ماجرای شورای شهر یزد»، بی‌تا، قابل دسترس در: [www.mojbaz.com](http://www.mojbaz.com)/سپنتا-نیک‌نام-کیست... آخرین بازدید: ۱۴۰۱/۱۰/۳۰.

۲. شورای نگهبان، نظر ۱۳۹۶/۱/۲۴ فقهای شورای نگهبان. نک: موسوی خمینی، سید روح‌الله، صحیفه نور (جلد ۶)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۳۱.

۳. موج باز، پیشین.

در نهایت، انتخابات پنجمین دوره شوراهای اسلامی روستا و شهر هم‌زمان با انتخابات دوازدهمین دوره ریاست جمهوری در تاریخ ۱۳۹۶/۲/۲۹ برگزار شد و نیک‌نام در این دوره نیز در حوزه شهر یزد، برنده انتخابات گردید. در دور اخیر، یک نامزد شکست‌خورده این حوزه (علی اصغر باقری)، عضویت نیک‌نام را در شورای شهر خلاف اسلام خواند و به دیوان عدالت اداری شکایت کرد و خواستار توقف و جلوگیری از فعالیت او به عنوان عضو شورای شهر یزد شد. درخواست شاکی به شعبه ۴۵ دیوان عدالت اداری ارجاع و شعبه یادشده به استناد نظر یادشده فقهای شورای نگهبان، طبق مواد ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷ و ۳۸ ق.ت.آ.د.د.ع.ا. دادنامه شماره ۸۴۶ مورخ ۱۳۹۶/۶/۱۳ کلاس پرونده ۹۶۰۴۵۷ خویش را در قالب دستور موقت به تعلیق عضویت سپینتا نیک‌نام از شورای شهر یزد علیه هیئت نظارت بر انتخابات استان یزد و فرمانداری شهرستان یزد صادر کرد. به این ترتیب، فعالیت نام‌برده در شورای شهر یزد تعلیق شد.<sup>۱</sup>

طرح اصلاحی قانون شوراهای در تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۲۴ از سوی مجلس شورای اسلامی تصویب گردید که بر اساس آن، تبصره یادشده به عنوان تبصره ۱ در بند «ز» ماده ۳ الحاق شد و پس از ایراد شورای نگهبان، در نهایت، مجمع تشخیص مصلحت نظام آن را در تاریخ ۱۳۹۷/۴/۳۰، موافق با مصلحت نظام تشخیص داد. این گونه بود که سپینتا نیک‌نام دوباره عضویت شورای شهر یزد را به دست آورد. چون برابر ماده ۴ قانون اصلاحی که در تاریخ ۱۳۹۷/۴/۳۰ به تأیید مجمع رسیده، تبصره اخیرالذکر از زمان برگزاری انتخابات دوره پنجم شوراهای اسلامی روستا و شهر لازم‌الاجراست.<sup>۲</sup> بنابراین، بر اساس این اصلاحیه قانون شوراهای، اقلیت‌های دینی شناخته‌شده در قانون اساسی می‌توانند از حوزه مسلمان‌نشین و با رأی مسلمانان نیز وارد شوراهای محلی شوند. نیک‌نام در انتخابات ششمین دوره شوراهای شهر و روستا از حوزه شهر تهران نامزد شد، ولی بنا بر دلایلی، این بار صلاحیت وی رد گردید.

ناگفته نباید گذاشت که در ایران نیز اقلیت‌های دینی شناخته‌شده مندرج در اصل ۱۳ قانون

---

۱. آزادی، مجید و ایرج حسینی صدرآبادی، «تحلیل و ارزیابی نظر شرعی فقهای شورای نگهبان و رأی دیوان عدالت اداری در خصوص عدم فعالیت آقای سپینتا نیک‌نام در شورای شهر یزد»، چهارمین همایش ملی حقوق؛ ارزیابی کارآمدی قانون در نظام جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی یزد، ۲۶ بهمن ۱۳۹۶، صص ۷۰۳-۷۰۴. [www.civilica.com/Paper-LAW-175-MAYBOD04-LAWMAYBOD04-175.html](http://www.civilica.com/Paper-LAW-175-MAYBOD04-LAWMAYBOD04-175.html)

۲. معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات، مجموعه تنقیحی قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران، تهران: معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ۱۳۹۷، صص ۳۴-۳۵.

اساسی دارای تعداد مشخصی کرسی در مجلس شورای اسلامی هستند. برابر اصل ۶۴ قانون اساسی، زرتشتیان و کلیمیان، هر کدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و گلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال، هر کدام یک نماینده انتخاب می‌کنند. بنابراین، اقلیت‌های دینی شناخته‌شده از کل نمایندگان مجلس شورای اسلامی، پنج نماینده در این مجلس دارند (تبصره ماده ۲ ق.ا.م.ش.ا). در ذیل این تبصره نیز ترتیب مندرج در اصل ۶۴ قانون اساسی در زمینه سهمیه‌بندی کرسی‌های این اقلیت‌ها بیان شده است. در این زمینه، تفاوتی که نظام حقوقی ایران با افغانستان دارد، این است که طبق نظریه تفسیری مورخ ۱۳۶۰/۴/۲۸ شورای نگهبان، اقلیت‌های یادشده تنها بر سر همین پنج کرسی با هم رقابت می‌کنند و خارج از آن، حق نامزدی ندارند.

در حالی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، این محدودیت پیش‌بینی نشده بود، به نظر می‌رسد که اگر فردی از اهل هنود و سیک می‌توانست اعتماد مردم را کسب کند، هیچ نوع محدودیتی در این زمینه وجود نداشت و خارج از یک کرسی اختصاصی نیز امکان ورود به مجلس نمایندگان را داشت. به دلیل جا نیافتادن فرهنگ اقلیت‌گزینی، قانون انتخابات، یک کرسی اختصاصی برای هندوها و سیک‌ها در مجلس نمایندگان در نظر گرفته بود.

پیش‌بینی چنین شرایط دشواری برای عضویت غیر مسلمانان در شوراهای (اعم از ملی و محلی) در یک کشور اسلامی، درست و معقول به نظر می‌رسد. منطقی است که غیر مسلمان‌ها تنها از حوزه خویش و با رأی هم‌کیشان خود به کرسی‌های انتخابی راه یابند. در غیر آن، ممکن است عواقب مخربی برای نظام و کشور پدید آید.

#### ه. حمایت مردمی

حمایت مردمی در این جا به آن معناست که تعدادی از رأی‌دهندگان از نامزد شوراهای محلی و دیگر کرسی‌های انتخابی هنگام نامزدی آنان حمایت کنند. در حقوق اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، نامزد انتخابات باید فهرستی از اسامی رأی‌دهندگان حوزه انتخابیه خود را با شماره کارت ثبت نام و نشان انگشتشان هنگام ثبت نام به دفتر مرکزی یا ولایتی کمیسیون مستقل انتخابات ارائه می‌کرد. تعداد این تأییدکنندگان در هر کرسی انتخابی حسب مورد فرق می‌کرد. نامزدان شوراهای محلی نیز هنگام ثبت نام در زمان تعیین‌شده درخواست کتبی به کمیسیون مستقل انتخابات ارائه می‌کردند. این درخواست

حسب مورد و با در نظر داشت جمعیت حوزه انتخابی مربوط دربرگیرنده مواردی مانند فهرست اسامی، کارت ثبت نام و نشان انگشت رأی‌دهندگان ساکن در حوزه مربوط و تأیید نامزدان در ورق رأی‌دهی بود. تعداد تأییدکنندگان یا حامی نامزدان در شورای ولایتی، ۶۰۰۲۰۰ نفر، در شورای ولسوالی، ۳۰۰۱۰۰ نفر و در شورای قریه، ۱۰ رأی‌دهنده بود (بند ۱ و جزء ۵ بند ۲ ماده ۷۳ ق. انتخابات).

در قوانین ایران چنین شرطی برای نامزدان دیده نمی‌شود. به نظر می‌رسد که در افغانستان، این شرط به منظور کاهش تعداد نامزدان در نظر گرفته شده بود؛ زیرا اگر کسی که از حمایت حداقل مردمی برخوردار نباشد، نباید خود را نامزد شوراها کند و باعث ایجاد هزینه اقتصادی برای دولت و هدر رفتن وقت کمیسیون‌های مستقل انتخابات و شکایات انتخاباتی در اعلام نتایج و رسیدگی به شکایت‌ها شود. بنابراین، پیش‌بینی شرط حمایت مردمی در حقوق افغانستان معقول و بجا به نظر می‌رسد.

## و. ضمانت مالی

این شرط نیز از جمله دو نظام انتخاباتی جمهوری‌های اسلامی افغانستان و ایران فقط در افغانستان پیش‌بینی شده بود. به نظر می‌رسد که منطق این شرط نیز جلوگیری از کثرت نامزدان در انتخابات شوراها محلی بود. چون در صورت نبود این شرط احتمال دارد که هر فردی در انتخابات نامزد شود و باعث ضیاع مالی و زمانی کمیسیون‌های انتخاباتی گردد. از سوی دیگر، ضمانت مالی، نوعی منبع درآمد برای دولت نیز بود. نامزدان مکلف بودند پول پیش‌شرط را حسب مورد در شورای ولایتی، مبلغ ۲۰۰۰۰ افغانی<sup>۱</sup>، در شورای ولسوالی، مبلغ ۱۰۰۰۰ افغانی و در شورای قریه، مبلغ ۵۰۰۰ افغانی به کمیسیون مستقل انتخابات پردازند و در صورت برنده شدن یا کسب حداقل ۲ درصد آرای قانونی در حوزه مربوط، مبالغ یادشده دوباره به نامزد مربوط پرداخته می‌شد (اجزای ۳-۵ بند ۴ ماده ۷۳ ق. انتخابات). کمیسیون مستقل انتخابات مکلف بود پول پیش‌شرط نامزدانی را که درصد آرای قانونی مشخص شده را به دست نیاورند، به حساب واردات<sup>۲</sup> دولت تحویل بانک کند (بند ۵ ماده یادشده). این شرط در ایران پیش‌بینی نشده است. پیش‌بینی این شرط در افغانستان بجا و معقول به نظر می‌رسد و از نگاه این شرط نیز نظام انتخاباتی افغانستان نسبت به ایران برتری دارد.

۱. واحد پول افغانستان.

۲. حساب دریافتی‌های دولت در خزانه کل.

## ز. امضای تعهدنامه

در حقوق جمهوری اسلامی افغانستان طبق قانون انتخابات، امضای تعهدنامه نیز از جمله مکلفیت‌های نامزدان بود. در واقع، نامزدان تعهد می‌کردند که در جریان تبلیغات انتخابی، در دوره انتخابات و اعلان نتایج آن، قوانین و مقررات مربوط را رعایت کنند و در صورت برنده شدن یا نشدن در انتخابات، نتایج آن را بپذیرند؛ چون حدود و صلاحیت‌های کمیسیون‌های انتخاباتی و مکلفیت‌هایشان به طور واضح در قانون انتخابات مشخص شده بود و اعضای این کمیسیون‌ها در برابر آن پاسخ‌گو بودند. پس امضای تعهدنامه نیز یکی از شرایط نامزدان بود و در صورت امضا نکردن، نامزدی آنان تأیید نمی‌شد. برابر ماده ۱۰۵ قانون انتخابات، نامزدان، احزاب و ائتلاف احزاب سیاسی، رسانه‌ها، ناظرین و مشاهدین مکلف بودند تعهدنامه تهیه شده از سوی کمیسیون مستقل انتخابات را امضا کنند. این امر نیز در قانون شوراهای ایران پیش‌بینی نشده است. هرچند شاید در عمل، چنین تعهدی در انتخابات شوراهای شهر و روستا در ایران نیز عملی شود، ولی در این قانون بازتاب نیافته است. به نظر می‌رسد که پیش‌بینی این شرط نیز از جمله محاسن نظام انتخاباتی افغانستان باشد. در پایان تحقیق باید گفت شرایط بررسی شده، مهم‌ترین شرایط پیش‌بینی شده در قوانین جمهوری اسلامی افغانستان و ایران بود و برای جلوگیری از به درازا کشیدن بحث به برخی از شرایط سلبی دیگر هم چون نداشتن محرومیت دائمی یا رفع محرومیت موقت که در قوانین این دو کشور بازتاب یافته است، پرداخته نشد. جا دارد که این موضوع در مقاله مستقلی تحقیق شود.

## نتیجه‌گیری

نویسندگان پژوهش حاضر در خصوص پاسخ به پرسش شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان شوراهای محلی در نظام انتخاباتی افغانستان و ایران به این نتایج دست یافتند که شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان در منظومه انتخاباتی افغانستان و ایران در برخی موارد مشابه است و در بعضی موارد دیگر از هم فاصله دارد. در واقع، شرایطی نیز وجود دارد که تنها در نظام افغانستان آمده است و در نظام ایران وجود ندارد و در مواردی نیز موضوع برعکس است. هر دو نظام در کنار محاسن قابل ارج خود، معایب و کاستی‌هایی نیز دارند که نیازمند اصلاحات لازم است. در زمینه شرایط انتخاب‌کنندگان، دیدگاه هر دو نظام تقریباً یکسان است. داشتن تابعیت و تکمیل



سن ۱۸ سال تمام از جمله شروط مشترک انتخاب‌کنندگان در این دو نظام انتخاباتی است و عدم سوء پیشینه یا اهلیت اخلاقی و ثبت بودن اسم انتخاب‌کننده در فهرست رأی‌دهندگان تنها در نظام انتخاباتی افغانستان بازتاب یافته بود که اعمال این دو شرط دشوار بر انتخاب‌کنندگان، مخالف اصل همگانی بودن رأی است و با دموکراسی سازگاری ندارد. اقامت حداقل یک سال پیش از برگزاری انتخابات در حوزه انتخابیه، شرطی است که تنها در منظومه انتخاباتی ایران تسجیل یافته است. هرچند این شرط می‌تواند به عنوان الزام رأی‌دهنده به تغییر نیافتن سکونت در یک سال آخر دوره شوراهای محلی باشد و در واقع، با حق انتخاب مسکن و محل سکونت که از حقوق شهروندی هر فرد است، سازگاری چندانی ندارد، در زمینه انتخاب درست به فرد کمک می‌کند تا نامزد مناسب را برگزیند. با وجود آن، نظام انتخاباتی ایران با در نظر گرفتن شرایط کم‌تری برای رأی‌دهندگان، زمینه مشارکت هرچه بیشتر افراد را در انتخابات مساعد ساخته که این امر نشان‌دهنده برتری آن نسبت به نظام انتخاباتی افغانستان است.

داشتن تابعیت، اكمال سن ۲۵ سالگی و مدارک تحصیلی شرایطی هستند که هر دو نظام برای انتخاب‌شوندگان شناسایی کرده‌اند. نظام انتخاباتی ایران در مورد شرط تابعیت از احتیاط لازم بهره‌گرفته و تابعیت اصلی را معیار دانسته است. در حالی که در افغانستان، تابعیت اصلی و اکتسابی (بدون توجه به مدت اکتساب) شرط است. شرط مدرک تحصیلی در ایران با توجه به سطح شورا و جمعیت حوزه انتخابیه تا مدرک لیسانس پیش‌بینی شده است، ولی مدرک دیپلم به عنوان شرط یکسان برای عضویت در شوراهای ولسوالی و ولایتی مقرر شده بود. در شرط اخیر نیز نظام ایران نسبت به افغانستان برتری دارد.

در منظومه انتخاباتی ایران، یک سلسله شرایط انتزاعی هم‌چون اعتقاد و التزام عملی به اسلام و ولایت مطلقه فقیه و اعتقاد و التزام عملی اقلیت‌های دینی به جای اسلام به اصول دین خود برای انتخاب‌شوندگان دیده می‌شود. هرچند این شرایط می‌تواند موجب تفسیرهای موسع از سوی ناظران انتخاباتی شود، ولی به دلیل مذهبی بودن نظام جمهوری اسلامی ایران، امری بجاست. از همه مهم‌تر، ابراز وفاداری به قانون اساسی، شرطی است که در قوانین ایران بازتاب یافته است و به یقین، یکی از مزایای نظام انتخاباتی این کشور را تشکیل می‌دهد. این شرط مهم در حقوق افغانستان پیش‌بینی نشده بود. با توجه به سه شرط اخیر نیز محاسن نظام انتخاباتی ایران نسبت به نظام انتخاباتی افغانستان بیشتر می‌نماید، در حالی که در افغانستان، هیچ‌یک از این شروط تسجیل نشده بود.

## فهرست منابع

### ۱. کتاب

۱. ابراهیمی، سید نصرالله، حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران: سمت، ۱۳۹۱.
۲. ارفع‌نیا، بهشید، حقوق بین‌الملل خصوصی (جلد ۱)، تهران: بهتاب، ۱۳۹۱.
۳. بزرگمهری، مجید، بررسی تطبیقی نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فرانسه (مجالس قانون‌گذاری ملی و ریاست جمهوری)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵.
۴. بشیریه، حسین، آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاست نظری)، تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۱، ص ۱۷۹.
۵. جعفری، محمد موسی و شوکت علی فرهنگ، نظام‌های انتخاباتی، کابل: بنیاد آسیا، ۱۳۹۸.
۶. عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، تهران: نی، ۱۳۹۱.
۷. قاضی شریعت‌پناهی، سید ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران: میزان، ۱۳۹۳.
۸. مدنی، سید جلال‌الدین، حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران: جنگل، ۱۳۸۸.
۹. مدنی، سید جلال‌الدین، کلیات حقوق اساسی، تهران: پایدار، ۱۳۸۵.
۱۰. معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات، مجموعه تنقیحی قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران، تهران: معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ۱۳۹۷.
۱۱. نیاز، عبدالوحد، حقوق اساسی مقایسه‌ای، کابل: یوسف‌زاد، ۱۳۹۸.

### ۲. مقاله

۱. آزادی، مجید و ایرج حسینی صدرآبادی، «تحلیل و ارزیابی نظر شرعی فقهای شورای نگهبان و رأی دیوان عدالت اداری در خصوص عدم فعالیت آقای سپینتا نیکنام در شورای شهر یزد»، چهارمین همایش ملی حقوق؛ ارزیابی کارآمدی قانون در نظام جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی یزد، ۲۶ بهمن ۱۳۹۶، صص ۷۰۳-۷۰۴: [www.civilica.com/Paper-LAWMAYBOD04-LAW-MAYBOD04\\_175.html](http://www.civilica.com/Paper-LAWMAYBOD04-LAW-MAYBOD04_175.html).
۲. بزرگمهری، مجید، «بررسی تطبیقی شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان در نظام انتخاباتی ریاست جمهوری ایران و فرانسه»، حقوق اساسی، سال چهارم، شماره ۶ و ۷، زمستان ۱۳۸۵، صص ۴۵-۵۶.

۳. شمیری، فاطمه، ولی رستمی و بیژن عباسی، «آسیب‌شناسی اختیارات شوراهای اسلامی از منظر تفکیک امور ملی و محلی»، فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، دوره چهارم، شماره دوازدهم، پاییز ۱۴۰۱، صص ۱۳-۳۶.

۴. عباسی، بیژن و مصطفی جعفری، «بررسی تطبیقی شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان در نظام انتخاباتی مجالس ایران و مالزی»، مجله حقوق تطبیقی، دوره دوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، صص ۱۱۵-۱۳۲.

۵. عسگری ده‌آبادی، امیر و عرفان شمس، «برداشت بریتانیایی از تمرکززدایی»، فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، دوره چهارم، شماره یازدهم، تابستان ۱۴۰۱، صص ۹۱-۱۱۵.

۶. مولایی، آیت و مهدی معنوی، «مطالعه تطبیقی شرایط داوطلبان مجلس شورای اسلامی ایران و ولسی جرگه افغانستان»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره دهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، صص ۷۸۱-۷۶۳.

### ۳. قانون و مقررات

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، ۱۳۸۲، کابل: وزارت عدلیه، جریده رسمی، شماره فوق‌العاده، نمبر مسلسل ۸۱۸.

۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۸.

۳. قانون انتخابات جمهوری اسلامی افغانستان، ۱۳۹۴، کابل: وزارت عدلیه، جریده رسمی، نمبر مسلسل ۱۲۰۷.

۴. قانون انتخابات جمهوری اسلامی افغانستان، ۱۳۹۵، کابل: وزارت عدلیه، جریده رسمی، نمبر مسلسل ۱۲۲۶.

۵. قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران در ایران، مصوب ۱۳۷۵ و اصلاحات بعدی.

۶. قانون تنظیم امور شوراهای محلی جمهوری اسلامی افغانستان، ۱۳۹۸، کابل: وزارت عدلیه، جریده رسمی، نمبر مسلسل ۱۳۴۲.

۷. قانون مدنی ایران، مصوب ۱۳۰۷ و اصلاحات بعدی.
۸. کود جزای جمهوری اسلامی افغانستان، ۱۳۹۶، کابل: وزارت عدلیه، جریده رسمی، نمبر مسلسل ۱۲۶۰.
۹. نظر فقه‌های شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۹۶/۱/۲۴، نامه شماره ۹۶/۱۰۰/۲۴۰ مورخ ۱۳۹۶/۱/۲۶ دبیر شورای نگهبان به روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.

#### ۴. پایگاه اینترنتی

۱. کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان، «اعلامیه مطبوعاتی در مورد فهرست رأی‌دهندگان»، ۱۳۹۸/۴/۲۹، قابل دسترس در: [www.iec.org.af/prs/media-prs/press-releases-prs/637](http://www.iec.org.af/prs/media-prs/press-releases-prs/637)، آخرین بازدید: ۱۴۰۱/۸/۲.
۲. کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان، «فهرست رأی‌دهندگان انتخابات ۱۳۹۸»، ۱۳۹۷/۱۰/۱۱، قابل دسترس در: [www.iec.org.af/prs/for-voters/vr-list-2017-prs](http://www.iec.org.af/prs/for-voters/vr-list-2017-prs)، آخرین بازدید: ۱۴۰۱/۹/۲۱.
۳. موج باز، «سپنتا نیک‌نام و ماجرای شورای شهر یزد»، بی‌تا، قابل دسترس در: [www.mojbaz.com](http://www.mojbaz.com)، آخرین بازدید: ۱۴۰۱/۱۰/۳۰.

## A comparative study of the conditions of electors and electees in the electoral system of the local councils of Afghanistan and Iran

Mohammad Alam Adeel<sup>1</sup>

Bizhan Abbasi<sup>2</sup>

### Abstract

Elections are the most significant way for citizens to engage in the administration of the nation's affairs, but in order to benefit from this right, both voters and those who receive votes must meet a number of requirements. Participation in local council elections (both elector and electee) also implies such conditions. This study was conducted to compare the electoral systems of the local councils in Afghanistan and Iran. identify their similarities and differences. and determine the advantages and disadvantages of each system. It is important because no independent research has been done in this field so far. In this article, the question has been answered that what are the conditions of the electors and the electee in the electoral system of the local councils of the Islamic Republic of Afghanistan (2004–2021) and the Islamic Republic of Iran? By using the descriptive analytical research method and the method of collecting information in a library style, we came to the conclusion that there are many commonalities and differences in these two systems, and both have positive and negative aspects. Although there are some similarities between the predicted objective requirements in these two voting systems, Iran's electin system's abstract criteria are more distinctive.

**Keywords:** Electee, Elector, Local council, Provincial council, District council.

---

1. Member of Faculty, Department of Administration and Diplomacy, Faculty of Law and Political Science, Jawzjan University, Sheberghan, (Corresponding Author), Afghanistan, m.alam.adeel@ut.ac.ir

2. Professor of Public Law, Faculty Member of Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Iran, bab-basi@ut.ac.ir